



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ حَجَر (ممنوعیت از تصرفات مالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: محمد

تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۲۹

من در گرفتاری فرو رفته‌ام و مسأله‌ای برایم پیش آمده که تا وقتی برایم حل نشود نمی‌توانم کمکی به نهضت بکنم. متأسفانه چند سال پیش پدرم با دست چک من کار می‌کرد و من سنی نداشتم و تقریباً ۲۰ ساله بودم و پدرم ورشکست کرد و برای من حکم زندان و مصادره‌ی اموال دادند، اما من خودم را تحویل ندادم و چند سالی است که متواری هستم و حتی از خودم یک هزاری هم ندارم چه برسد به چندین میلیون. سؤالی که دارم این است که آیا من شرعاً بدهکار محسوب می‌شوم چون چک از من بوده یا بدهکاری گردن پدرم است؟ من اینجا مفلس محسوب می‌شوم و اگر درآمدی کسب کنم نمی‌توانم در آن تصرف کنم؟ من باید دقیقاً چه کار کنم؟ آیا باید خودم را تحویل بدهم و به زندان بروم؟ آیا اصلاً قانونی به اسم مفلس در شرع هست و اگر من معامله‌ای با حقوقم انجام بدهم باطل است؟ یعنی من اگر چیزی بخرم آن معامله باطل بوده و استفاده از آن چیز برای من حرام است؟ من اصلاً از بعضی از این چک‌ها خبر نداشتم که به چه کسانی داده شده و فقط در جریان یکی دو تا از آن‌ها بودم و آن‌ها را هم به خاطر پدرم دادم و اصلاً فکر نمی‌کردم که پدرم دارد از این‌ها سوء استفاده می‌کند و عقل درست حسابی هم نداشتم و حتی یک بار هم برای قسط‌بندی رفتم دادگاه، ولی همان قسط‌ها را هم پرداخت نکرد. الان من یک جوان فراری هستم که از درس و زندگی افتاده‌ام و نمی‌دانم حتی اگر سر کار بروم می‌توانم در پولم تصرف کنم یا نه؟ خیلی دوست دارم به نهضت کمک کنم، اما نمی‌دانم که آیا درست است یا نه.

خداوند به شما قوت بدهد و در این راه شما را یاری کند. مرا ببخشید. با تشکر بابت وقتی که می‌گذارید.

www.alkhorasani.com

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ مَنَاصِبِهَا شَيْخُ خَزَائِنِ الْإِسْلَامِ حَفْظَةُ اللَّهِ تَعَالَى

برادر گرامی!

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. مشکلی که به آن گرفتار آمده‌اید، آزمونی از جانب خداوند است تا ببیند که چگونه عمل می‌کنید. پس از خداوند بترسید و از او یاری بگیرید و به گونه‌ای عمل کنید که او خشنود باشد؛ چراکه بازگشت شما به سوی اوست و او شما را از کاری که کرده‌اید، آگاه می‌کند و اگر حقّی را ضایع کرده باشید، عذاب او شدید است.

۲. اگر استفاده‌ی دیگری از چک شما بدون اذن شما بوده، بدهی بر عهده‌ی اوست؛ چراکه او به منزله‌ی سارق یا خیانت‌کننده در امانت است و اگر با اذن شما بوده، ولی مشروط به اینکه پیش از فرا رسیدن موعد چک، مبلغ را به حساب شما واریز کند، بدهی بر عهده‌ی شماست، جز اینکه می‌توانید پیش یا پس از ادای آن به او رجوع کنید؛ چراکه این مقتضای شرط شماست.

۳. بدهکار نباید از طلب‌کار بگریزد، بلکه باید به نزد او برود و در صورت توانایی، حقّ او را بدهد و در صورت عدم توانایی، از او مهلت بگیرد؛ همچنانکه طلب‌کار باید به بدهکاری که توانایی ندارد مهلت بدهد یا ببخشد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱؛ «و اگر (بدهکار) در سختی بود، تا هنگام آسانی به او مهلت دهید و اگر ببخشید برایتان بهتر است اگر بدانید».

۴. در صورتی که بدهی شما بیشتر از دارایی‌تان است، مفلس هستید و هرگاه طلب‌کارانتان درخواست کنند و حاکم شرع حکم دهد، مفلس می‌شوید؛ به این معنا که نمی‌توانید در دارایی خود تصرفی که حقّ طلب‌کارانتان را ضایع می‌کند داشته باشید؛ مانند هبه یا وقف یا رهن، بلکه باید دارایی خود را تسلیم کنید تا به عدالت فروخته و میان طلب‌کاران قسمت شود؛ به استثنای چیزهایی که برای ادامه‌ی زندگی خود و افراد واجب‌النّفقه‌ی‌تان به آن‌ها نیاز دارید؛ مانند غذای کافی برای خوردن و لباس کافی برای پوشیدن و خانه‌ای که در آن ساکن هستید و اثاثیه‌ای که عرفاً ضروری دانسته می‌شود؛ چراکه فروش آن‌ها مایه‌ی حرج است، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾^۲؛ «و بر شما در دین حرجی قرار نداده است». آری، اگر می‌توانید خانه‌ای که مالک آن هستید را بفروشید و خانه‌ای ارزان‌تر بخرید یا خانه‌ای را اجاره کنید،

۱. البقرة / ۲۸۰

۲. الحج / ۷۸

واجب است که این کار را انجام دهید؛ چراکه حرج محسوب نمی‌شود و ادای حق طلب‌کاران با کاری که حرج محسوب نمی‌شود، واجب است.

۵. حاکم شرع تنها در صورتی می‌تواند شما را حبس کند که ناتوانی شما از پرداخت بدهی‌تان ثابت نباشد؛ چراکه خودداری از پرداخت بدهی با وجود توانایی، ظلم محسوب می‌شود و ظلم مستوجب مجازات است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾**؛ «راه تنها بر (مجازات) کسانی وجود دارد که به مردم ظلم می‌کنند و در زمین به ناحق فزونی می‌جویند، آنانند که برایشان عذابی دردناک است» و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: **«مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ»**؛^۲ «تأخیر دارا (در پرداخت بدهی‌اش) ظلم است» و در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: **«لِيَ الْوَاجِدِ يُجْلَ عِزُّهُ وَعُقُوبَتُهُ»**؛^۳ «تعلل دارا (در پرداخت بدهی‌اش) آبرو و مجازاتش را حلال می‌کند» و در روایتی از ابو جعفر باقر علیه السلام آمده است: **«إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَخْبِسُ فِي الدِّينِ فَإِذَا تَبَيَّنَ لَهُ حَاجَةٌ وَإِفْلَاسٌ خَلَّى سَبِيلَهُ حَتَّى يَسْتَفِيدَ مَالًا»**؛^۴ «علی علیه السلام به خاطر بدهی حبس می‌کرد، پس هرگاه تنگدستی و إفلاس برای او آشکار می‌شد، بدهکار را آزاد می‌کرد تا مالی کسب کند»، ولی آیا طلب‌کاران پس از ثبوت ناتوانی بدهکار، می‌توانند ملازم او باشند تا نگریزد و هرگاه مالی به دست آورد، میان آنان قسمت کند؟ در این باره میان عالمان مذاهب اختلاف است. بیشتر آنان معتقدند که نمی‌توانند؛ چراکه مهلت دادن به بدهکار ناتوان تا هنگام توانایی، با ملازم او شدن منافات دارد، ولی ابو حنیفه معتقد است که می‌توانند و شاید بتوان برای او به سخن خداوند استدلال کرد که فرموده است: **﴿وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا﴾**؛^۵ «و از آنان کسی است که اگر دیناری به او سپاری به تو باز نمی‌گرداند مگر آنکه پیوسته بالای سرش ایستاده باشی». قدر مسلم این است که طلب‌کاران نمی‌توانند مزاحم زندگی یا کسب بدهکاری شوند که ناتوانی او ثابت شده؛ چراکه او جرمی مرتکب نشده و خداوند فرموده است: **﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾**؛^۶ «و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون جرمی که مرتکب شده باشند آزار می‌دهند، بار بهتان و گناه آشکاری را بر دوش می‌گیرند».

۱. الشوری/ ۴۲

۲. مسند أحمد، ج ۲، ص ۷۱؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۶۱؛ صحیح البخاری، ج ۳، ص ۸۵؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۴؛ سنن أبي

داود، ج ۲، ص ۱۱۲؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۸۶؛ سنن النسائی، ج ۷، ص ۳۱۷؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۳۸۰

۳. مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۱۱؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۱۷۱؛ سنن النسائی، ج ۷، ص ۳۱۶؛ أمالی

الطوسی، ص ۵۲۰

۴. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۱۹۶

۵. آل عمران/ ۷۵

۶. الأحزاب/ ۵۸



۶. در وضعیّت کنونی، کمک مالی به نهضت بر شما واجب نیست، ولی کمک مالی تنها کاری نیست که می‌توانید برای نهضت انجام دهید، بل کارهای دیگری نیز وجود دارد که از شما ساخته است؛ مانند معرفی نهضت و رساندن آثار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به دیگران که مصداق دعوت به سوی خیر و امر به معروف و نهی از منکر است. در صورتی که **فرم عضویت فعال در پایگاه** را پر کنید، توضیحات بیشتری در این باره به شما ارائه می‌شود ان شاء الله.

توصیه‌ی ما به شما این است که فرار را پایان دهید؛ چراکه اگر از بندگان خداوند فرار کنید، از خداوند فرار نتوانید کرد. آیا تحمل زندان، مصادره‌ی اموال و ملامت مردم، آسان‌تر از تحمل عذاب خداوند در جهنّم نیست؟ پس آخرت خود را به خاطر دنیا خراب نکنید. هم‌اینک به نزد پدرتان بروید و از او بخواهید که با توجه به مسؤولیتش در مشکل پیش آمده، حداکثر کمک ممکن برای پرداخت بدهی‌تان را به شما بکند؛ به این صورت که اگر پول کافی دارد، به طلب‌کاران شما بدهد و اگر پول کافی ندارد و املاکی دارد، املاکش را بفروشد و به طلب‌کاران شما بدهد تا از تعقیب شما صرف نظر کنند و اگر املاکی نیز ندارد، چاره‌ای جز رفتن شما به نزد طلب‌کارانتان نیست. پس به نزد آنان بروید و از آنان مهلت بگیرید تا بدهی خود را با کمک پدرتان و با کار و فروش دارایی‌تان بپردازید و اگر شما را به دادگاه کشانند، بر شما گناهی نیست؛ چراکه با اختیار خود به آن مراجعه نکرده‌اید. آن گاه بکوشید که ناتوانی خود از پرداخت بدهی‌تان را با بینّه یا اقرار طلب‌کاران ثابت کنید تا شما را حبس نکنند یا پس از حبس آزاد کنند و سپس با استعانت از خداوند، هر کاری که برای پرداخت بدهی‌تان لازم است را انجام دهید تا آن گاه که خداوند برایتان فرجی قرار دهد. بی‌گمان پس از سختی آسانی است و هر کس تقوا پیش گیرد، خداوند برایش راه چاره‌ای قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌رساند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شاهی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شاهی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.